



نظریه‌ها و مکاتب اقتصاد کلان و مبانی فکری - فلسفی آن

دکتر حسین صمصامی
دکتر محمود مختاریند



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
پاییز ۱۴۰۳

صمصامی، حسین، ۱۳۴۶-
نظریه‌ها و مکاتب اقتصاد کلان و مبانی فکری - فلسفی آن / حسین صمصامی، محمود مختاربند.
قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۳.
۳۹۱ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۳۵؛ اقتصاد: ۵۲)
بها: ۳۱۳۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
همچنین به صورت زیرنویس.
کتاب به بررسی نظریه‌ها و مکاتب اقتصاد کلان می‌پردازد
۱. اقتصاد کلان. ۲. Macroeconomics. الف. مختاربند، محمود، ۱۳۶۳-
۳۳۹ HB۱۸۰/ف۲
شماره کتابشناسی ملی
۹۸۰۹۸۶۳



نظریه‌ها و مکاتب اقتصاد کلان و مبانی فکری - فلسفی آن

مؤلفان: دکتر حسین صمصامی (عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی)؛ دکتر محمود مختاربند
(عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۳

تعداد: ۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۳۱۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۱۵-۶

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۷۱۸۵-۳۱۵۱، ص.پ. ۳۲۸۰۳۰۹۰، نماير: ۳۲۱۱۱۳۰۰)

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۳۰ عنوان کتاب و ۹ نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان متن درسی برای درس «اقتصاد کلان» در رشته «اقتصاد» در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری قابل استفاده است. افزون بر این، با معرفی موضوعات پژوهشی متنوع، برای پژوهشگران در حیطه «نقد نظریات متعارف اقتصاد سرمایه‌داری» نیز مفید خواهد بود.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار موردنیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلفان محترم اثر، آقایان دکتر حسین صمصامی و دکتر محمود مختاربند و نیز از ارزیاب محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا یوسفی شیخ رباط سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
فصل اول: بررسی مبانی فکری – فلسفی علم اقتصاد متعارف (نظریه‌های اقتصاد کلان)	
۱. مقدمه.....	۳
۲. اصول موضوعه حاکم بر پارادایم سرمایه‌داری.....	۴
۲-۱. معرفت‌شناسی.....	۴
۲-۱-۱. سوبژکتیویسم دکارت و نگاه ریاضی‌وار به عالم.....	۵
۲-۱-۲. می‌اندیشم؛ پس هستم (Sum Ergo Cogito).....	۶
۲-۱-۳. تجربه‌گرایی و پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی).....	۸
۲-۱-۴. طبیعت‌گرایی.....	۱۱
الف. تقلیل‌گرایی یا فروکاست‌گرایی.....	۱۳
ب) فیزیکیالیسم.....	۱۴
۲-۲. هستی‌شناسی.....	۱۴
۲-۲-۱. دئیسم.....	۱۶
۲-۲-۲. دین طبیعی.....	۱۷
۲-۲-۳. سکولاریسم.....	۱۸
۲-۲-۴. لائیسزم.....	۲۰
۲-۲-۵. طبیعت‌گرایی.....	۲۰
۲-۲-۶. تکامل انواع.....	۲۱
۲-۳. انسان‌شناسی.....	۲۳
۲-۳-۱. انسان‌گرایی (اومانیزم).....	۲۵
۲-۳-۲. لذت‌گرایی (هدونیسم) و اصل نفع.....	۲۶
۲-۳-۳. خودگرایی روان‌شناختی.....	۲۹

۳۰	۴-۲. ارزش‌شناسی و غایت‌شناسی
۳۱	۲-۴-۱. نسبیّت ارزش
۳۳	۲-۴-۲. خودگروی اخلاقی
۳۴	۳. ارتباط اصول موضوعه پارادایم سرمایه‌داری و علم اقتصاد متعارف
۳۶	۳-۱. روش‌شناسی فرضیه‌ای و آماری
۳۷	۳-۲. فروکاست کیفیت به کمیت
۳۹	۳-۳. دیدگاه مکانیستی در اقتصاد
۴۲	۴. نمود انسان‌شناسی پارادایم فکری سرمایه‌داری در اقتصاد متعارف
۴۴	۴-۱. خودگروی و لذت‌گرایی در اقتصاد کلاسیک
۴۵	۴-۲. خودگروی لذت‌گرایانه در اقتصاد نئوکلاسیک
۴۷	۴-۳. نظم خودجوش بازار و هماهنگی منافع فردی و عمومی
۴۹	۴-۴. تعارض عدالت اجتماعی و نظم خودجوش بازار (بی‌مفهومی عدالت اجتماعی)
۴۹	۴-۵. اقتصاد خرد و دستیابی به کارایی پارتویی
۵۱	۵. پیدایش اقتصاد کلان
۵۶	۶. خلاصه و جمع‌بندی

فصل دوم: بررسی تاریخی علم اقتصاد کلان متعارف

۶۳	۱. مقدمه
۶۴	۲. روندهای تاریخی متغیرهای کلان اقتصادی
۷۲	۳. کینز و رکود بزرگ
۷۴	۴. تلفیق نئوکلاسیکی
۷۵	۴-۱. پیشرفت اقتصاد کلان در تمامی جهات؛ الگوی هیکس هانسن
۷۷	۴-۲. پیشرفت اقتصاد کلان در تمامی جهات نظریه‌های مصرف، سرمایه‌گذاری و تقاضای پول
۷۹	۵. کینزین درمقابل پولیون
۸۰	۵-۱. اثربخشی سیاست‌های پولی درمقابل سیاست‌های مالی
۸۱	۵-۲. انتقادات فریدمن بر منحنی فیلیپس
۸۳	۵-۳. نقش سیاست اقتصادی
۸۴	۶. دوران طلایی اقتصاد ایالات متحده (۱۹۵۰-۱۹۷۰)
۸۴	۷. دهه ۱۹۷۰ و فروپاشی اجماع
۸۵	۸. کلاسیک‌های جدید و سه کاربرد انتظارات عقلایی
۸۶	۸-۱. انتقاد لوکاس
۸۶	۸-۲. انتظارات عقلایی و منحنی فیلیپس
۸۷	۸-۳. کنترل بهینه درمقابل نظریه بازی
۸۷	۸-۴. ادغام انتظارات عقلایی
۸۸	۸-۵. تعیین دستمزد و قیمت

۸-۶. نظریه سیاست.....	۸۸
۹. توسعه‌های اقتصاد کلان تا بحران ۲۰۰۹.....	۸۹
۹-۱. اقتصاد کلاسیک جدید و نظریه چرخه‌های تجاری حقیقی.....	۸۹
۹-۲. کینزین‌های جدید.....	۹۱
۹-۳. نظریه رشد جدید.....	۹۳
۹-۴. به سوی ادغام.....	۹۴
۱۰. نخستین درس‌ها برای اقتصاد کلان پس از بحران ۲۰۰۹.....	۹۵

فصل سوم: اقتصاد کلاسیک-نئوکلاسیک

۱. مقدمه.....	۹۹
۲. مکتب اقتصاد کلاسیک-نئوکلاسیک.....	۱۰۰
۳. الگوی اقتصاد کلاسیک-نئو کلاسیک.....	۱۰۱
تابع سود بنگاه (نماینده).....	۱۰۳
۴. پول در الگوی اقتصاد کلاسیک-نئوکلاسیک (بخش واقعی).....	۱۱۰
نظریه مقداری پول.....	۱۱۱
۵. خلاصه الگوی اقتصاد کلاسیک-نئوکلاسیک در چارچوب معادلات جبری.....	۱۱۳

فصل چهارم: کینز و پیدایش اقتصاد کلان جدید

۱. مقدمه.....	۱۱۵
۲. وضعیت اقتصادی نظام سرمایه‌داری (آمریکا) در دوران بحران بزرگ.....	۱۱۷
۳. انتقادهای مهم کینز به کلاسیک‌ها-نئوکلاسیک.....	۱۱۸
۴. اقتصاد کینزی-نئوکینزی در قالب الگوی IS-LM.....	۱۲۶

فصل پنجم: تلفیق نئوکینزین-نئوکلاسیکی

۱. مقدمه.....	۱۳۱
۲. مکتب پول‌گرای متعارف.....	۱۳۴
مرحله اول. نظریه مقداری به‌عنوان نظریه تقاضای پول.....	۱۳۵
نظریه مقداری و تغییرات در درآمد پولی: شواهد تجربی.....	۱۳۷
مرحله دوم. ورود انتظارات به تحلیل منحنی فیلیپس: فریدمن (۱۹۶۸a).....	۱۴۰
۳. پیوست ریاضی: مدل سنتز نئوکلاسیک-نئوکینزین با رویکرد انتظارات تطبیقی.....	۱۴۵
۴. تعادل مدل.....	۱۴۷
بررسی خواص دینامیکی.....	۱۵۲
۵. ایده اصلی انتظارات تطبیقی.....	۱۵۵
۵-۱. دو ویژگی انتظارات تطبیقی.....	۱۵۵
ایراد اصلی انتظارات تطبیقی.....	۱۵۶

۱۵۶	۵-۲. نحوه شکل‌گیری انتظارات در الگوی تلفیقی.....
۱۵۸	۵-۳. بیان دوم انتظارات تطبیقی با استفاده از عمل‌گر وقفه.....
۱۵۹	۵-۴. بررسی پویایی قیمت در مدل سنتز نئوکلاسیکی-نئوکینزین به صورت جبری.....
۱۶۵	- سنتز نئوکلاسیکی- نئوکینزین در فرمت فازی.....
۱۶۵	بررسی سمت عرضه.....
۱۶۶	بررسی سمت تقاضا.....
۱۷۳	۵-۵. جمع‌بندی الگوی تلفیقی نئوکینزین‌ها: توصیه‌های سیاستی (ثبات‌سازی).....

فصل ششم: کلاسیک جدید

۱۷۵	۱. مقدمه.....
۱۷۸	۲. اصول فکری مکتب کلاسیک جدید؛ بازگشت به اصول نئوکلاسیک.....
۱۷۹	۲-۱. فرضیه انتظارات عقلایی.....
۱۸۳	- روش‌های حل مدل‌های انتظارات عقلایی.....
۱۸۵	- اثبات و حل مدل.....
۱۹۰	- روش سارجنت (مدل انتظارات عقلایی با متغیرهای آینده).....
۱۹۳	- یک نکته در مورد مسیر تعادل.....
۱۹۶	نحوه اعمال محدودیت.....
۱۹۷	روش موث (روش ضرایب نامعین).....
۲۰۲	روش لوکاس.....
۲۰۴	۲-۲. تسویه پیوسته بازارها.....
۲۰۵	۲-۳. فرضیه عرضه کل.....
۲۰۷	- اطلاعات ناقص و مسئله استخراج علائم.....
۲۱۴	۳. نظریه چرخه تجاری تعادلی.....
۲۱۵	۴. دستاوردهای سیاستی نگرش کلاسیکی جدید.....
۲۱۵	۴-۱. قضیه بی‌تأثیری سیاست‌های اقتصادی.....
۲۱۷	- سیاست‌های ثبات‌سازی.....
۲۱۷	فرض الف. اطلاعات بخش خصوصی و بخش دولتی یکسان است.....
۲۲۱	فرض ب. اختلاف در مجموعه‌های اطلاعاتی.....
	فرض ج: یک گروه خاص از بخش خصوصی دارای مزیت اطلاعاتی نسبت به دولت و عرضه‌کنندگان دارند.....
۲۲۴	فرض د: اطلاعات جزئی.....
۲۲۶	۴-۲. هزینه‌های کاهش تورم برحسب تولید- اشتغال.....
۲۲۸	۴-۳. ناسازگاری زمانی پویا، اعتبار و قواعد پولی.....
۲۲۹	۴-۴. نقش سیاست‌های اقتصاد خرد در افزایش عرضه کل.....
۲۳۶	۴-۵. انتقاد لوکاس از ارزیابی سیاست‌ها توسط اقتصادسنجی.....

۲۳۷	انتقاد لوکاس در قالب یک مدل کلان
۲۴۲	جمع‌بندی

فصل هفتم: مکتب چرخه تجاری حقیقی

۲۴۳	۱. مقدمه
۲۴۴	۲. انتقال از نظریه پولی به نظریه دور تجاری حقیقی
۲۴۶	۳. ادوار تجاری در مقابل گام‌های تصادفی
۲۵۰	۴. نظریه دور تجاری حقیقی
۲۵۱	۴-۱. ساختار مدل چرخه تجاری حقیقی
۲۵۴	۴-۲. شوک‌های تکنولوژیکی
۲۵۷	۵. مدل عرضه و تقاضای کل چرخه تجاری حقیقی
۲۶۰	۶. نظریه دور تجاری حقیقی و خنثایی پول
۲۶۲	۷. انتقادات وارد بر نظریه دور تجاری حقیقی

فصل هشتم: مکتب کینزین‌های جدید

۲۶۷	۱. مقدمه
۲۶۹	۱-۱. قضایا و ویژگی‌های اقتصاد کینزی جدید
۲۷۲	۱-۲. چسبندگی‌های اسمی
۲۷۲	۱-۳. چسبندگی دستمزد اسمی
۲۷۴	۱-۳-۱. مدل‌های انتظارات عقلایی (RE) با قراردادهای بلندمدت غیرمشروط
۲۷۹	۱-۴. چسبندگی قیمت اسمی
۲۸۶	۲. چسبندگی‌های حقیقی
۲۸۷	۲-۱. منشأهای دیگر چسبندگی قیمت حقیقی
۲۸۸	۲-۱-۱. اثرات جانبی ناشی از اوج بازار
۲۸۸	۲-۱-۲. بازارهای مشتریان
۲۸۹	۲-۱-۳. چسبندگی قیمت و جدول داده‌ستاده
۲۹۰	۲-۱-۴. نواقص بازار سرمایه
۲۹۱	۲-۱-۵. قضاوت قیمت کیفیت
۲۹۱	۲-۲. چسبندگی دستمزد حقیقی
۲۹۲	۲-۲-۱. مدل‌های قرارداد ضمنی
۲۹۳	۲-۲-۲. مدل‌های دستمزد کارایی
۲۹۸	الف. مدل انتخاب نامساعد
۲۹۸	ب. مدل گردش نیروی کار
۲۹۸	ج. مدل کم‌کاری
۳۰۰	د. مدل انصاف

۳۰۲ مدل‌های کارگران درونی - بیرونی
۳۰۳ نظریه دور تجاری کینزین‌های جدید
۳۰۷ اثرات تأخیری و ناپرو
۳۰۹ دستاوردهای سیاستی اقتصاد کینزی جدید

فصل نهم: مدل‌های تعادل عمومی پویای تصادفی

۳۱۳ مقدمه
۳۱۵ مبانی فکری - فلسفی مدل‌های کلان DSGE
۳۱۷ معرفی مدل‌های تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE)
۳۱۹ مدل کلان ادوار تجاری حقیقی
۳۱۹ ۱-۴ خانوارها
۳۲۲ ۲-۴ بنگاه‌ها
۳۲۴ ۳-۴ شرایط تعادل الگو
۳۳۰ ۵ روش اوپلیگ برای لگاریتم خطی‌سازی
۳۳۰ ۱-۵ خطی‌سازی عرضه نیروی کار
۳۳۱ ۲-۵ خطی‌سازی معادله اولر برای مصرف
۳۳۱ ۳-۵ خطی‌سازی بازدهی سرمایه
۳۳۲ ۴-۵ خطی‌سازی نرخ دستمزد
۳۳۲ ۵-۵ خطی‌سازی تابع تولید
۳۳۲ ۶-۵ معادله حرکت سرمایه
۳۳۳ ۷-۵ خطی‌سازی شرط تعادل
۳۳۳ ۸-۵ خطی‌سازی شوک فناوری
۳۳۴ ۶ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۳۳۵ ۷ پیوست بسته نرم‌افزاری Dynare
۳۳۵ ۱-۷ بسته نرم‌افزاری داینار
۳۳۶ ۲-۷ بلوک توضیحات
۳۳۶ ۳-۷ بلوک الگو
۳۳۶ ۴-۷ بلوک وضعیت پایدار
۳۳۶ ۵-۷ بلوک نکانه‌ها
۳۳۷ ۶-۷ بلوک اجرای محاسبات
۳۳۷ ۷-۷ توابع واکنش ضربه‌ای

بررسی کارایی علم اقتصاد کلان در ایران فصل دهم:

۳۳۹ مقدمه
۳۴۰ ۲ علم اقتصاد متعارف چیست؟

۳۴۱	۳. مکتب اقتصادی
۳۴۳	۴. نظام اقتصادی
۳۴۵	۵. علم اقتصاد متعارف
۳۵۰	۶. علم اقتصاد متعارف و تجزیه و تحلیل اقتصاد ایران
۳۵۱	۶-۱. نظام مالیاتی
۳۵۲	۶-۲. نظام بانکی
۳۵۴	۷. ماهیت روش شناسی اقتصاد ایران
۳۵۴	۷-۱. مکتب اقتصادی
۳۵۴	۷-۲. معرفت شناسی
۳۵۵	۷-۳. هستی شناسی
۳۵۶	۷-۴. انسان شناسی
۳۵۷	۷-۵. غایت و ارزش شناسی
۳۵۷	۸. نظام اقتصادی
۳۵۹	۹. علم اقتصاد متعارف
۳۶۱	۱۰. جمع بندی و نتیجه گیری
۳۶۳	منابع
۳۷۵	نمایه ها

پیشگفتار

در طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی مواجهه جدیدی با علوم انسانی متعارف در سطوح مختلف کشور شکل گرفته است. سطوح متفاوت این مواجهه گاه به تعطیلی و نفی کامل علوم انسانی متعارف غربی و شرقی از یک‌سوی این طیف و از سوی دیگر آن گاه به پذیرش کامل این علوم همراه با اعتقاد به جهان‌شمولی علوم انسانی منجر شده است. به‌طور خاص، علم اقتصاد کلان متعارف نیز از این قاعده مستثنا نبوده و برای سالیان متمادی در مراکز علمی و دانشگاهی کشور مورد تدریس و فراگیری قرار گرفته و افزون‌براین، گاه از سوی سیاست‌گذاران کشور نیز محل مراجعه جهت حل مشکلات اقتصادی کشور بوده است.

اما این نکته قابل توجه است که در فرآیند ترویج، تدریس و به‌کارگیری این شاخه از علوم انسانی به مبانی این علم کمتر توجه شده و عمدتاً نظریه‌های توصیفی این دانش در قالب و به زبان نمادین ریاضی نقل و نقد شده است. این امر نیز مانع عمده‌ای برای عدم توجه به مبانی‌ای بوده است که این علم از آنها برخاسته و ساختار منطقی آن را در لایه آشکار آن شکل داده و نتایج به‌دست‌آمده از این علم سیاست‌گذاری اقتصادی ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

ولی باید توجه کرد که مقتضای آموزش و فراگیری صحیح هر علمی توجه به مبانی و اصولی است که این علم از آنها برخاسته و در مرحله بعد نیز باید به میزان کارایی این علم در اقتصاد ایران پیش از کاربرد آن توجه کرد. هدف از تهیه این کتاب تدوین مجموعه‌ای است که هم به مبانی و هم به تحلیل‌های اقتصاد کلان به شکل مرسوم و به‌نسبت مفصل آن اشاره نموده و از سوی دیگر، قابلیت کاربرد آن را نیز به‌منظور سیاست‌گذاری کلان در اقتصاد ایران در بوته آزمایش و نقد قرار دهد. امیدواریم تألیف این کتاب گامی کوتاه در راستای اعتلای علوم انسانی بومی و اسلامی بوده که شرط لازم آن نیز حصول درکی عمیق از نظریه‌ها، ورای نمادهای ریاضیاتی و هندسی است.

این کتاب ده فصل دارد که در فصل نخست به بررسی مبانی فکری و فلسفی علم اقتصاد متعارف اشاره شده است. در فصل دوم، بر تدوین این رشته علمی به‌ویژه در بستر اقتصاد سرمایه‌داری مروری تاریخی شده است و نقاط عطف تاریخی تحول و دگرذیسی نظریات اقتصاد کلان، همگام با تحولات اجتماعی و اقتصادی جوامع غربی کاوش شده است. در فصول سوم و چهارم مکاتب اقتصاد کلاسیک و کینزی مورد بحث قرار گرفته و سپس در فصول بعد به ترتیب به تلفیق نئوکینزی - نئوکلاسیکی، کلاسیک جدید، مکتب چرخه‌های تجاری حقیقی و در فصل هشتم نیز به مکتب کینزین‌های جدید اشاره شده است. فصل نهم به مبحث مدل‌های تعادل عمومی پویای تصادفی اختصاص یافته که در سال‌های اخیر استفاده از آن رواج یافته است. در فصل دهم با نگاهی انتقادی به بررسی کاربرد این علم در اقتصاد ایران و میزان کارایی آن جهت حل مشکلات و معضلات اقتصادی جاری کشور پرداخته شده است.

این کتاب قابلیت تدریس در مقاطع ارشد و دکتری درس اقتصاد کلان را دارد و خواننده این کتاب می‌تواند با دورخیز از مباحث رایج اقتصاد کلان متعارف، از ارتفاعی به نسبت بالاتر، درک عمیق‌تری از نظریه‌ها و الگوهای کلان اقتصادی به‌دست آورد. در پایان از زحمات ارزیابان محترم، آقایان حجت‌الاسلام دکتر محمدرضا یوسفی و حجت‌الاسلام دکتر سیده‌ادی عربی، که تلاش وافری جهت اصلاح نقایص این کتاب مبذول داشتند، تشکر ویژه می‌نماییم. همچنین از مدیریت گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه جناب حجت‌الاسلام دکتر علیرضا لشکری که با پیگیرهای مجدانه و دلسوزانه نقشی جدی در به ثمر رساندن این محصول داشتند، سپاسگزاریم.

گفتنی است پیش از چاپ این کتاب یک جلسه کرسی نقد آن نیز با حضور نگارندگان و ناقدان محترم در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه برگزار شد که بدینوسیله از تلاش‌های برگزارکنندگان این کرسی و تمامی مسئولان پژوهشگاه و همچنین مساعدت‌های آقایان دکتر احمدرضا صفا، حامد پیرپور و عباس حاجی‌حسینی که از پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایشان در فصل اول استفاده شد و سرکارخانم دکتر زهره حیدری صمیمانه تشکر می‌کنیم.

اول شهریورماه ۱۴۰۲

حَسْبُنَا اللَّهُ، وَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا، وَ إِلَيْهِ أُنَبْنَا، وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ

فصل اول

بررسی مبانی فکری- فلسفی علم اقتصاد متعارف (نظریه‌های اقتصاد کلان)

۱. مقدمه

شکل‌گیری نظریه‌های اقتصاد کلان در چارچوب علم اقتصاد متعارف نتیجه تحلیل و تبیین رفتارهای اقتصادی فرد یا افرادی است که در چارچوب یک مکتب فکری و نظام سرمایه‌داری^۱ عمل می‌کنند. در نظام سرمایه‌داری چون حقیقت وجودی از آن انسان است و هدف انسان پیگیری نفع شخصی فرض شده است، نظریات اقتصادی حول محور کنش‌های روابط اجتماعی افراد تبیین شده و متناسب با آنها نهادهای اقتصادی و اجتماعی همچون بازار، پول، بانک و ... شکل گرفته است. به‌دیگرسخن، چون نظام اجتماعی- اقتصادی جوامع سرمایه‌داری بر مبنای فلسفه رفتارهای مادی انسان‌ها پی‌ریزی شده، بنابراین، تئوری‌هایی می‌توانند مسائل این نظام را درست تبیین کنند که ماهیتاً بر این مبنا صورت‌بندی شده باشند.

هرچند نظام سرمایه‌داری به‌دلیل اینکه صرفاً دست‌مایه فکر بشری است و به‌لحاظ عدم‌اتصال به یک منبع اطلاعاتی بی‌خطا و بی‌نقص از ارائه تئوری که بتواند واقعیت جامعه را تبیین و پیش‌بینی کند ناتوان است، ولی اکنون اقتصاد سرمایه‌داری، نظام غالب جهانی است و مطالعات بسیار وسیعی درمورد کارایی آن، بررسی رفتار انسان‌ها و نهادهای شکل‌دهنده آن انجام شده است. مطالعات بسیار گسترده درمورد دلایل بروز بحران‌های اقتصادی و استفاده گسترده از ریاضی و آمار برای الگوسازی رفتار انسان‌های درون این نظام (سرمایه‌داری) جهت

1. Capitalism

پیش‌بینی این رفتارها و ارائه سیاست‌های مناسب جهت برون‌رفت از مشکلات اقتصادی انجام شده است.

در واقع، علم اقتصاد و اقتصاد کلان محصول این نوع مطالعات و پژوهش‌هاست. برای رسیدن به یک درک عمیق از ماهیت این علم و اقتصاد کلان بررسی تحولات نظام سرمایه‌داری در بستر تاریخی ضروری است؛ زیرا اقتصاد کلان مدرن در این بستر تاریخی شکل گرفته است. در این فصل تلاش شده است نخست، اصول موضوعه حاکم بر پارادایم سرمایه‌داری و سپس ارتباط این اصول با پارادایم سرمایه‌داری و علم اقتصاد متعارف بررسی شود.

۲. اصول موضوعه حاکم بر پارادایم سرمایه‌داری

در این قسمت مبانی فکری- فلسفی و اصول موضوعه حاکم بر نظام سرمایه‌داری و به دنبال آن علم اقتصاد متعارف در پنج قسمت بررسی‌های معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و غایت و ارزش‌شناسی بررسی می‌شود.

۲-۱. معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی یا شناخت‌شناسی به تحلیل مسئله شناخت، انواع معارف انسانی، مبادی و ابزار آنها، معیار و ملاک ارزشیابی و واقع‌نمایی آنها می‌پردازد. هسته مرکزی دانش معرفت‌شناسی، تبیین توانایی عقل در رسیدن به واقع است. بنابراین، گفتگو درباره عنصر عقل، انواع آن، حدود کاربرد هر یک، و توانایی آنها در کسب معارف گوناگون، ذیل مباحث معرفت‌شناسی انجام می‌شود.^۱ معرفت‌شناسی مفهومی مرتبط با دانایی‌هایی است که ادعا می‌کنیم درباره جهان اجتماعی می‌دانیم. ما برای آنچه اعتقاد داریم وجود دارد از گزاره‌هایی استفاده می‌کنیم که برای خود و دیگران قابل قبول است.^۲ هرگونه اتخاذ مبنای معرفت‌شناختی، فرآیند شکل‌گیری معرفت را به طور بنیادی متأثر می‌کند. این تأثیرگذاری از طرق مختلفی مانند انتخاب روش دستیابی به معرفت، تغییر رفتار و ... انجام می‌شود.

۱. عیسوی، ۱۳۷۹، ص ۱۱.

۲. ایمان، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲.

بررسی مبانی فکری - فلسفی علم اقتصاد متعارف (نظریه‌های اقتصاد کلان) ۵

در معرفت‌شناسی اقتصاد یا نگاه معرفت‌شناسانه به نظریه‌های اقتصادی، ما را با مجموعه‌ای از سؤال‌ها در مورد متعلق و نوع معرفت اقتصادی و تفاوت آن با دیگر معرفت‌های بشری روبه‌رو می‌کند. سؤال از واقع‌نمایی یا انتزاعی بودن مدل‌های اقتصادی، ماهیت تبیین اقتصادی، رابطه میان مدل‌های انتزاعی ریاضی و نظریه‌ها از یک‌سو و واقعیت تجربی رفتار و نهادهای اقتصادی از سوی دیگر، ماهیت مفاهیم در مدل‌های اقتصادی، نوع قوانین اقتصادی و جایگاه پیش‌بینی در اقتصاد از جمله سؤال‌های پیش‌رو در معرفت‌شناسی اقتصاد هستند.

در رابطه با معرفت‌شناسی حاکم بر علم اقتصاد متعارف، اصول موضوعه سوپژکتیویسم (ذهنیت‌گرایی) دکارت، تجربه‌گرایی و پوزیتیویسم، طبیعت‌گرایی، تحویل‌گرایی و فیزیکیالیسم^۱ مطرح می‌شود که در ادامه بررسی می‌شوند.

۲-۱-۱. سوپژکتیویسم دکارت و نگاه ریاضی‌وار به عالم

برای فهم ماهیت فلسفی عالم مدرن و شروع آن، از دکارت به‌عنوان بنیان‌گذار تفکر مدرن آغاز می‌شود و تأکید و مشخصه ما در منظومه معرفتی او بیشتر تکیه بر برشمردن ارکان تفکر تئوریک عقلانیت راسیونالیستی^۲ است که در قالب سوپژکتیویته نمایان شده و ماهیت روش در نوع خاصی نگاه ریاضی‌وار به عالم است که این نوع نگاه تصرف‌گونه در موضوع و متعلق شناسایی یعنی ابژه ملازمت دارد. در ابتدا دکارت برای دستیابی به معرفت یقینی از خود پرسید: آیا اصل بنیادینی وجود دارد تا بتوان دانش و فلسفه را بر آن بنا کرد و نتوان در آن شک کرد؟ راهی که برای این مقصود به نظر دکارت رسید، شک به همه چیز بود. او می‌خواست همه چیز را از اول شروع کند و به‌همین دلیل، لازم می‌دانست که در همه دانسته‌های خود (اعم از محسوسات، معقولات و شنیده‌ها) تجدیدنظر نماید؛ بدین ترتیب، شک معروف خود را مطرح کرد که بعدها به روش شک دکارتی معروف شد. او این شک را به همه چیز تسری داد؛ تاجایی که در وجود جهان خارج نیز شک کرد.

1. Worrall, 2021, p. 225.

۲. راسیونالیسم به‌معنای عقل‌مداری (عقل‌محوری، عقل معیاری و عقل‌بستگی) یا اصالت‌دادن به عقل و عقل‌گرایی است.

من می‌توانم در همه چیز شک کنم؛ اما در این واقعیت که شک می‌کنم، نمی‌توانم تردیدی داشته باشم؛ بنابراین شک کردن من امری است یقینی و از آنجا که شک، یک نحوه از حالات اندیشه و فکر است، پس واقعیت این است که من می‌اندیشم چون شک می‌کنم؛ پس فکر دارم و چون می‌اندیشم، پس کسی هستم که می‌اندیشم و یک اصل تردیدناپذیر کشف شد که به هیچ وجه نمی‌شد در آن تردید کرد. دکارت این اصل را به این صورت بیان کرد:

۲-۱-۲. می‌اندیشم؛ پس هستم (Cogito Ergo Sum)

اصل کوژیتو دکارت به هدف خود رسیده بود و فلسفه‌اش را براساس همین اصل بنیادین بنا کرد. هر چند «من می‌اندیشم؛ پس هستم» نخستین مبنای فلسفه دکارتی است، اما پایبندی و التزام او به بداهت براهین ریاضی بود که او را به این مبنا کشانید و این مورد یکی از احکام است که فلسفه‌هایی را به وجود آورد که در آنها همه چیز به خوبی توجه می‌شود، مگر خود اصل و بنا؛ به دیگر سخن «هر چیزی می‌تواند و باید به شیوه‌ای ریاضی اثبات شود».^۱

کار عجیبی که دکارت، فیلسوف و مؤسس فلسفه جدید، انجام داد این بود که گفت دو موجود یا جوهر هست و این دو هیچ ارتباطی با هم ندارند؛ بلکه دو موجود مستقل اند؛ یکی روان است و دیگری ماده. روان و ماده در نظر او هیچ نسبتی با هم ندارند؛ پس او باید به این پرسش پاسخ دهد که علم از کجا می‌آید و چگونه حاصل می‌شود. اگر گفته شود علم فطری است، پس همه انسان‌ها اعم از کودک و نوجوان، جوان و پیر، زن و مرد، دیروزی و امروزی همه باید یکسان چیزها را بدانند؛ اما این طور نیست؛ بلکه عالم و غیر عالم با یکدیگر فرق دارند. کسی که درس خوانده با آن که درس نخوانده است، یکسان نیست. بنابراین، دکارت می‌نویسد علم ریاضی فطری است و پایه علوم به ریاضی باز می‌گردد. علم هم یک طرح ریاضی است و بشر با اطلاق این طرح‌ها بر جهان و طبیعت، در آنها تصرف می‌کند. دکارت نمی‌خواست بگوید که علم با واقع مطابقت ندارد؛ اما نسبت میان عالم و معلوم را قطع کرد.^۲

در سایه فلسفه دکارتی جهان هستی عینی در سایه مفاهیم روشن و مقولات بدیهی و اصول موضوعه تبیین می‌شود. در نظر دکارت، ماهیت انسان نظم‌بخشیدن به مفاهیم است، این

۱. ژیلسون، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸-۱۱۲.

۲. داوری اردکانی، ۱۴۰۱، ص ۳۲.

بررسی مبانی فکری - فلسفی علم اقتصاد متعارف (نظریه‌های اقتصاد کلان) ۷

برخورد با مفاهیم در واقع در سایه مفاهیم ریاضی صورت می‌گیرد و همه پدیدارها به کمک اصول ریاضی تبیین می‌شوند. ریاضیات در نظر دکارت علم اندازه‌گیری و نظم است که منطق کلی علم و زبان رمزی آن است. به عقیده کلاویوس «در فلسفه نظرهای فراوان وجود دارد برخلاف ریاضیات که در آن «نظرها» نیستند، فلاسفه همواره از احتمالات صرف بحث می‌کنند و تنها ریاضیدانان هستند که می‌توانند به نتایج قطعی نائل شوند».

دکارت تحت تأثیر معلم مدرسه خود از این گفته وی چنین نتیجه گرفت که «تنها معرفت ریاضی است که می‌توان بر آن نام معرفت نهاد و از اینجا بدین نتیجه رسید که در واقع، حساب و هندسه نه فقط علمی هستند که باید به مطالعه آنها پرداخت، بلکه در پژوهش برای یافتن شاهراه حقیقت، نباید خود را به چیزی سرگرم نمود که نتایج آن در قطع و یقین از نتایج حاصل از بداهت حساب و هندسه کمتر باشد». دکارت سپس سعی کرد تا مساوی هندسی را از طریق جبر حل کند و با ترکیب هندسه و جبر، هندسه نوینی را پدید آورد تا بتواند همه مسائل هندسه را حل کند و در این کار هم موفق شد. او سپس در طرح اشرافی فکر خود به این نتیجه رسید که چرا نگوئیم همه علوم یکی هستند؟

او دریافت که با روش عمومی برای حل هرگونه مشکل، چیزی را یافته است که کار سرتاسر حیات اوست؛ از این رو از نظر او همه علوم یکی است و تمامی مشکلات را هم باید با یک روش حل کرد؛ تنها به این شرط که علوم یا علوم ریاضی باشند یا بتوان با روش ریاضی از آنها بحث کرد. سرانجام دکارت می‌نویسد: «روش به‌طور کلی، عبارت است از نظم و ترتیب اشیایی که بصیرت ذهنی به هنگام جستجوی حقیقت باید متوجه آنها باشد».^۱ هایدگر نیز به این نکته به‌عنوان اصیل‌ترین مؤلفه مابعدالطبیعی شکل‌دهنده عالم مدرن اذعان می‌کند: یعنی سوژکتیویسم^۲.

این نوع نگاه باعث ایجاد تمدن غرب در کلیتش شد. به‌دیگرسخن، سوژکتیویسم و نگاه ریاضی به عالم با هم ملازمه دارند. باید توجه داشت که این روش نوین و نگاه ریاضی، خاص

۱. همان، ص ۱۱۶.

۲. Subjectivism: ذهنیت‌گرایی یعنی اعتقاد به اینکه تجربه ذهنی، اساس همه معیارها و قوانین است. هر شخص از ذهنیت خاص خویش برخوردار است و ذهنیت هر شخص براساس علائق و سلايق فردی متمایز از ذهنیت اشخاص دیگر است. در این تلقی، احکام و گزاره‌ها سرانجام به رهیافت‌ها، علايق و سلايق ذهنی فرد بازمی‌گردد. ذهنیت‌گرایی درمقابل عینیت‌گرایی (ابژکتیویسم) و واقع‌گرایی قرار می‌گیرد.

فلسفه دکارت نیست؛ بلکه در تمامی فیلسوفان بعد از دکارت جریان دارد و حتی در میان دانشمندان این نوع نگاه به عالم وجود دارد.^۱

باید توجه داشت که منظور از سوپزکتیویسم به‌عنوان مشخصه عصر جدید فردگرایی و ذهن‌گرایی نیست؛ بلکه در این عصر چون انسان به سوژه و ذهن یا به یک امر کلی مبدل شده است، بر وجودی تبدیل شده است که چیزهای دیگر، حقیقت وجودی خود را از او کسب می‌کند: آدمی به مرکز نسبت‌های هر آنچه هست، بدل شده است.^۲

۲-۱-۳. تجربه‌گرایی و پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی)

فرانسیس بیکن،^۳ فیلسوف و دانشمند قرن هفدهم که دیدگاه وی در تاریخ علم به سودگرایی معروف است، را آغازگر زمینه تجربه‌گرایی در اروپا می‌داند. در نظر بیکن روش‌شناسی علمی بسیار حائز اهمیت است. وی تجربه و آزمایش را در راه رسیدن به علم قبول داشت. از دید وی علم زمانی به دست می‌آید که فرد محسوسات و جزئیات را به مشاهده و تجربه درآورد و برای استخراج قواعد به کلیات جمع‌آوری مواد روی آورد. او در شناخت واقعیت‌ها بر محسوسات و تجربه اهمیت زیادی قائل بود و تأکید داشت که نباید به نقل قول و روایت اعتماد کرد و شخصاً باید به مشاهده و تجربه پرداخت.

بیکن همانند پوزیتیویست‌ها به حوزه فلسفه دین می‌پردازد و می‌نویسد مسائل دینی به حوزه ایمان مربوط است و فهم عقلی نقشی در آن ندارد و فلسفه به قلمرو و پدیدارهای طبیعی محدود است و فلسفه را شناخت و اصول مشترک دانش‌ها، معیارها و پیوندهای آنها انگاشت و این اساس فلسفه اثبات‌گرایی (پوزیتیویسم) است.^۴ این طرز تفکر بعدها توسط افرادی چون توماس هابز^۵، جان لاک^۶، جرج برکلی^۱، دیوید هیوم^۲، جان استوارت میل^۳، ارنست ماخ^۴ و برتراند راسل^۵ دنبال شد.

۱. همان، ص ۱۱۸.

۲. معرفی محمدی، ۱۳۹۳.

3. Francis Bacon

۴. جهانگیری، ۱۳۶۹، ص ۱۶۱-۱۶۳.

5. Thomas Hobbes (1588-1679)

6. John Locke (1632-1704)

تجربه‌گرایی با هیوم به اوج خود می‌رسد. وی هر مفهومی را که از تجربه به دست نیامده باشد کنار می‌زند و درباره مفاهیم کلی مانند علیت، کلیت و... بر این باور است که اینها یافته‌هایی هستند که ذهن انسان به‌طور عادت آنها را می‌انگارد. پس تمامی امور شایسته شناخت را امور برگرفته از تجربه حسی می‌داند. به باور هیوم «ذهن، صرفاً محسوسات یا داده‌های حسی را ضبط و بازآرایی و مقایسه می‌کند. بدین‌سان هیوم به این عرصه کشیده می‌شود که بگوید نظریه علمی یا قانون علمی صرفاً تلخیص و تضایف جمع‌وجوری از مشاهدات مفرد و مجزاست».

از عوامل پیدایش نهضت پوزیتیویسم در غرب تجربه‌گرایی و به‌طور خاص، تجربه‌گرایی دیوید هیوم بود. پوزیتیویسم، فلسفه‌ای است که به کسب معرفت معتبر، براساس تجربه حسی معتقد است. این معرفت فقط از طریق نظریاتی به دست می‌آیند که از روش‌های علمی تولید، آزمون و تصدیق می‌شوند.^۶

آگوست کنت، که به‌عنوان نخستین جامعه‌شناس شناخته می‌شود، موجب گسترش پوزیتیویسم شد. اصول و مبانی پوزیتیویسم نیز در اثر شش جلدی وی، دوره فلسفه اثباتی به تفصیل ارائه شده که همچنان مورداستفاده پوزیتیویست‌هاست. استوارت میل، فیلسوف انگلیسی، اصول تعدیل‌شده‌ای را مبتنی بر مباحث کنت در کتاب نظامی از منطق شرح داده است. پس از وی، امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، نوعی از پوزیتیویسم را ارائه کرد که امروز در پژوهش‌های پوزیتیویستی مهم به شمار می‌رود. براساس همین کوشش‌هاست که رهیافت پوزیتیویستی به‌عنوان یک معرفت علمی با رجوع کارشناسان و عالمان مواجه می‌شود.

پوزیتیویست‌ها بر این باورند که هر آنچه شایسته شناخت است از تجربه آمده است. به‌دلیل همین تجربه‌گرایی است که پاره‌ای اصول عقلانی و گزاره‌های عقلی در این بررسی از دایره معناداری پوزیتیویست‌ها خارج می‌شود؛ زیرا پوزیتیویست‌ها بر این باورند که آنچه نتواند در

-
1. George Berkeley (1685-1753)
 2. David Hume (1711-1776)
 3. John Stuart Mill (1806-1873)
 4. Ernst Mach (1838-1916)
 5. Bertrand Russell (1872-1970)

تجربه حسی و در خارج وجود داشته باشد امری بی‌معناست و نمی‌توان با آن دادوستد معناداری کرد. با همین رویکرد، به‌طورکلی، پوزیتیویست‌ها دین را مهجور و احکام و گزاره‌های آن را فاقد معنا می‌دانند. آنها معتقدند که معنا همان امکان تحقیق‌پذیری یا درستی‌آزمایی است و لاجرم معنادار بودن مفهوم خدا را به هر معنایی انکار می‌کردند.^۱ از پیامدهای نهضت پوزیتیویسم کم‌ارزش‌شدن بحث‌های فلسفه نظری و بحث‌هایی است که در فلسفه اسلامی الهیات به معنای اعم نامیده می‌شوند؛ بحث‌هایی مانند حدوث و قدم عالم، وجود خدا و... که امروزه کمتر به آنها می‌پردازند.

اندیشمندان پوزیتیویستی از نقشی یاد کرده‌اند که روش علمی در افزایش عظیم معرفت انسان به جهان ایفا کرده است و توجه آنها همواره این بود که روش علمی تنها وسیله کسب هر آن چیزی است که شایسته نام معرفت است. به نظر آنان علم مدام مرزهای معرفت انسان را فراتر می‌برد و اگر چیزی در ماوراء دسترسی علم باشد، لاجرم نادانستنی و ناشناختنی است و ادعای فلسفه و کلام درباره گزاره‌های فرایدیدار مشکوک است.^۲

منظور پوزیتیویست‌ها از تحلیل، معلوم کردن این موضوع است که کدام مسئله قابل و شایسته است که به‌وسیله استدلال ریاضی یا منطقی پاسخ گفته شود و کدام مسئله یا مسائل است که قابل پاسخ‌گویی به‌وسیله نوعی پژوهش تجربی است. بنابراین، کار و وظیفه فیلسوفان پاسخ به این مسائل نیست؛ بلکه وظیفه آنها صرفاً این است که معنای این‌گونه مسائل را روشن کنند؛ به طوری که دانسته شود که آنها چه نوع مسائلی است و چگونه باید به آنها پاسخ گفت.^۳

پوزیتیویست‌ها مدعی‌اند که شما فقط برحسب تجربیات، مشاهدات، آزمون‌ها و درحقیقت امور جزئی می‌توانید به علم برسید و هیچ‌گونه طبع و کلیتی را هم نمی‌شود برای این عالم متصور شد. این دیدگاه در راستای اندیشه نومیالیستی^۴ نیز قابل بیان است که در پاورقی به‌طور خلاصه به آن پرداخته شده است.

۱. الیاده، ۱۳۷۹، ص ۲۵۱.

۲. کاپلستون، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶.

۳. پایکین و استرول، ۱۳۷۵، ص ۲۸۳.

۴. کلمه نومیالیسم نخستین بار پس از رنسانس در اروپا و به‌ویژه از سوی ویلهلم اوکهام به کار رفت که در آن زمان نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نمود و هم‌اکنون پیشگام امپریالیسم به شمار می‌رود. استقلال دانش و دوری از جزم‌اندیشی که در دوران کنونی وجود دارد بر زمینه افکار نومیالیستی یا فرضیه‌ای پای گرفته و ممکن

بررسی مبانی فکری - فلسفی علم اقتصاد متعارف (نظریه‌های اقتصاد کلان) ۱۱

روش‌شناسی حاکم بر نظریات پوزیتیویستی، روش‌شناسی کمی‌گرایانه است. براساس این، پژوهشگر اثبات‌گرا به دنبال داده‌های کمی دقیق است و در این رابطه از آزمایش، پیمایش و علم آمار در تحقیقات استفاده می‌کند.^۱

۲-۱-۴. طبیعت‌گرایی^۲

طبیعت‌گرایی در حوزه‌های مختلف، از ادبیات و اخلاق گرفته تا هست‌شناسی و معرفت‌شناسی مورد اشاره قرار می‌گیرد و معمولاً در اشاره به این باور فلسفی به کار می‌رود که تنها قوانین و نیروهای طبیعت (نه قوانین و نیروهای فراطبیعی) در جهان فعالند و چیزی فراتر از جهان طبیعی نیست. پیروان این اندیشه را طبیعت‌گرا^۳ و خودش را طبیعت‌گرایی می‌نامند. اینها معتقدند که

شده است. این شیوه تعقل با رد استقلال مفاهیم کلی از ذهن، این مفاهیم را صرفاً اسم‌هایی می‌داند که وجودی مستقل از مصادیق معین ندارند. بنا بر ادعای نومیالیست‌ها اساساً مفهومی به نام مفهوم کلی نداریم و الفاظی که گفته می‌شود بر مفهوم کلی دلالت دارند، در واقع، مشترکات لفظی هستند که بر امور متعددی دلالت می‌نمایند. این معرفت‌نومیالیستی (اعتقاد به اصالت وجه تسمیه) وجه غالب تفکر دوران مدرن است که در جلوه فرمالیسم (فرم‌گرایی، صورت‌باوری) ریاضیاتی و چشم‌پوشی علوم طبیعی از پیگیری برای رسیدن به پیکر پاره‌های پدیده‌های فیزیکی نمایان شد.

این تفکر نومیالیستی در جوامع آنگلو ساکسون موجب پیدایش نهادهای دموکراتیک و اقتصاد آزاد رقابتی شد. شکل‌گیری علم اقتصاد نیز حاصل این تفکر نومیالیستی بود؛ زیرا این تفکر فرضیه‌ای-قیاسی امکان انتزاع یک بعد از حیات بشری را از ابعاد دیگر فراهم آورد؛ چیزی که در اندیشه‌های ذات‌گرایانه و رئالیستی پیش از رنسانس میسر نبود. ر.ک: غنی‌نژاد (۱۳۷۶)، مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد، ص ۵۵.

نومیالیسم به اشکال مختلفی بیان می‌شود که برای نمونه، نومیالیسم اجتماعی در برابر کل‌نگری (Holism) و همچنین ذات‌گرایی اجتماعی (Essentialism Social) به معنای عدم‌پذیرش ماهیتی خاص و مستقل برای هر کل اجتماعی است که با فردگرایی روش‌شناختی ارتباطی گسترده‌ای دارد یا نومیالیسم روش‌شناختی بیان‌کننده این است که در فرایند علم، هستی و چیستی اشیا مد نظر نیست و اساساً این دیدگاه داعیه‌ای در حوزه هستی‌شناسی ندارد؛ نه نفیاً و نه اثباتاً. تنها تأکید این گروه بر این است که در روش علمی هیچ نیازی به اثبات ذات و ماهیت اشیا نیست؛ بلکه مهم برای ما این است که بتوانیم رویدادهای تجربی را تبیین کنیم.

۱. ایمان، ۱۳۹۱، ص ۶۲.

2. Naturalism

3. Naturalist

قوانین طبیعی است که بر ساختار و رفتار عالم طبیعی حاکم است و هدف علم کشف و نشر صحیح همین قوانین طبیعی است.

در این بخش به تبیین معرفت‌شناسی از دیدگاه طبیعت‌گرایان پرداخته می‌شود. این‌گونه طبیعت‌گرایی که از آن با عنوان «ناچورالیسم یا طبیعت‌گرایی روشمند» یاد می‌شود، توجهش نه به دعاوی راجع به امر موجود بلکه شیوه‌های یادگیری فهم طبیعت است. این نوع طبیعت‌گرایی دقیقاً بدین معناست که تمامی تلاش‌های علمی - تمامی فرضیه‌ها و رویدادها - را باید به یاری علت‌ها و معلول‌های طبیعی سنجید و توضیح داد. به پیدایش طبیعت به‌عنوان عملی الهی نمی‌پردازند. این معنای طبیعت‌گرایی تنها در پی آن است تا چارچوبی فراهم آورد که بتوان در آن به پژوهش علمی قوانین طبیعت پرداخت. طبیعت‌گرایی روشمند راهی است برای کسب دانش و درواقع، روش علمی است که هیچ چیز از وجود خدا نمی‌گوید.

پس از انقلاب علمی سده‌های شانزدهم و هفدهم، علم به جستجوی علل طبیعی برای توضیح پدیده‌های طبیعی محدود شد؛ درحالی‌که گرچه این احتمال هست که توضیحات فراطبیعی مهم و ارزشمند باشد، ولی بخشی از علم به شمار نمی‌روند. بدین ترتیب «طبیعت‌گرایی روشمند نوعی آیین تصنعی علم» است. این نوع طبیعت‌گرایی «قاعده‌ای بنیادی» است که از دانشمندان می‌خواهد توضیحات جهان پیرامون را برپایه آن چیزی بچینند که بتوان دید، سنجید، تکرار و راستی‌آزمایی کرد.

دبلیو وی. کواین^۱ طبیعت‌گرایی را این‌گونه تعریف می‌کند که هیچ دادگاه عالی جز خود علوم طبیعی برای داوری درمورد حقیقت وجود ندارد. هیچ روشی بهتر از روش علمی برای داوری درباره دعاوی علم نیست و علم بهترین راه کشف سازوکارهای عالم است. همچنین، کواین به بسط و توسعه معرفت‌شناسی از دیدگاه ناچورالیسم پرداخت. به اعتقاد وی یک باور زمانی موجه است که فرآیند تولید آن درجهت حفظ بقای کسی باشد که آن باور را پذیرفته است. این ادعا یک نتیجه روش‌شناختی مهم دارد و آن این است که معرفت‌شناسان باید تنها از تبیین‌های روان - عصب‌شناختی معطوف به نظریه تکامل استفاده کنند. به‌دیگرسخن، کواین

1. Willard Van Orman Quine (1908-2000)

بررسی مبانی فکری - فلسفی علم اقتصاد متعارف (نظریه‌های اقتصاد کلان) ۱۳

روش معرفت‌شناسی را از روش علوم تجربی جدا نمی‌داند و توصیه می‌کند با استفاده از روان‌شناسی، عصب‌شناسی و روان‌شناسی زبان به معرفت‌شناسی بپردازیم.^۱

الف. تقلیل‌گرایی یا فروکاست‌گرایی^۲

فروکاست‌گرایی به این معناست که برخی ویژگی‌های اشیا، رویدادها، موقعیت‌ها، روندها یا خصوصیت‌ها کاملاً یکسانند و چیزی بیشتر از اجزای فیزیکی تشکیل‌دهنده آنها نیست.^۳ به‌دیگرسخن، تقلیل و فروکاهی طبیعت اشیاء و رفتار پیچیده پدیده‌ها به مجموع مؤلفه‌ها و اصول بنیادین آنهاست. فروکاست‌گرایی تزی است که براساس آن یک علم خاص - مفاهیم، قوانین یا نظریه‌های آن - می‌تواند توسط علمی پایه‌ای‌تر توضیح داده شود.^۴

نخستین بار، دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰) مفهوم تقلیل‌گرایی را معرفی نمود. برای دکارت تمامی جهان همانند یک ماشین می‌نمود که می‌شد با مطالعه هریک از اجزاء و مؤلفه‌هایش به شناخت و فهم کل آن نائل آمد. کارها و ایده‌های دکارت توسط نیوتن (۱۶۴۳-۱۷۲۷) گسترش یافت و ادامه پیدا کرد و سرانجام به انتشار اصول ریاضی فلسفه طبیعی وی در سال ۱۶۸۷ انجامید.

به‌عنوان مثال، یک فروکاست‌گرا درباره ریاضیات معتقد است که همه نظریات آن قابل فروکاست به منطق یا نظریه مجموعه‌هاست یا یک فروکاست‌گرا در حوزه علوم زیستی مدعی است که سلول‌ها همان مجموعه‌ای از اتم‌ها و مولکول‌ها هستند. غالب‌ترین نظریه فروکاست‌گرایی در حوزه هستی‌شناسی و فلسفه ذهن مدعی بود که همه علوم قابل‌تحویل یا فروکاست به فیزیک هستند.

طبق این اصل تمامی پدیدارها صرفاً به بعد فیزیکی و مادی آن فروکاسته می‌شوند و از این رو هر ذاتی یا ماده‌ای جدایی‌ناپذیر است یا صرفاً مجموعه‌ای از آنهاست (اتمیسیم). جهان اقتصادی نیز مجموعه افراد است و بنابراین، هرگاه تمامی واقعیت‌های مربوط به فرد شناخته شد،

۱. کواین، ۱۳۷۴.

2. Reductionism

3. Boyd & et al., 1999, p. 387

4. Sahotra Sarkar and Jessica Pfeifer, 2006, p. 696.

در همان زمان واقعیت‌های تجمیعی (کلان) نیز شناخته خواهد شد. بنابراین، این اصل متافیزیکی دلالت‌های روش‌شناختی بسیار مهمی را در پی دارد؛ از جمله اینکه هر نظریه کلان و واقعیت اقتصادی تجمیعی را می‌توان به سطوح فردگرایانه فروکاست.^۱

ب) فیزیکیالیسم

فیزیکیالیسم به‌عنوان یک نظریه فلسفی بر این باور است که هر چیزی که وجود دارد، بیشتر از خواص فیزیکی آن نیست؛ یعنی هیچ چیزی به جز چیزهای فیزیکی وجود ندارد. این واژه توسط اتو نویرات در یک‌سری از مقالات درباره اشیای فیزیکی در اوایل قرن بیستم به این صورت استفاده شد: «براساس فیزیکیالیسم، زبان فیزیک زبان جهانی علم است و در نتیجه، هرگونه دانستنی را می‌توان به شکل اظهاراتی درباره اشیای فیزیکی بیان کرد».^۲

فیزیکیالیسم گاه «ماتریالیسم» هم نامیده می‌شود؛ ولی اصطلاح «فیزیکیالیسم» بهتر است؛ زیرا با علوم فیزیکی تکامل یافته و مفاهیم بسیار پیچیده‌تری از فیزیکی بودن را نسبت به ماده دربرمی‌گیرد. از این‌رو، افزون‌بر ورود مفاهیمی مانند آنتروپی^۳، قوانین نیوتنی، نظریه میدان‌های کوانتومی در بازارهای مالی در اقتصاد، رشته مستقلی نیز به نام فیزیک اقتصاد^۴ نیز شکل گرفت. یکی از مشکلات این امر ممکن نبودن ترتیب دادن آزمایش‌هایی مشابه علم فیزیک است که جهت اثبات یا ابطال فرضیات اقتصادی انجام می‌شود.

۲-۲. هستی‌شناسی

هستی‌شناسی یا وجودشناسی^۵ شاخه‌ای از فلسفه است که به مطالعه بودن و ماهیت هستی یا وجود می‌پردازد. دانش هستی‌شناسی در پی تشخیص و شرح رده‌های بنیادین و ارتباطات آنها در هستی یا عالم وجود برمی‌آید تا بدین وسیله بتواند به تعریف موجودات و انواع آنها در آن

1. Petrović, Dragan, 2008, pp. 185-19.

2. Keith, 2010, p. 12.

3. Entropy

4. Econophysics

5. Ontology

چارچوب پردازد. هستی‌شناسی در معنای کلی آن، به «وجود بماهو وجود» و به‌دیگرسخن، ماهیت وجود یا واقعیت می‌پردازد.^۱ این مفهوم مرتبط با مفاهیم وجود و هستی است. به‌عبارتی، هستی‌شناسی پاسخ به این سؤال است که معتقدیم چه چیز وجود دارد؟^۲ به‌طورخلاصه، شهید مطهری^۳ درباره هستی‌شناختی این‌گونه می‌نویسد: «نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌دارد، زیر ساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود. این زیر ساز و تکیه‌گاه اصطلاحاً جهان‌بینی (هستی‌شناختی) نامیده می‌شود».^۳ اما در این گفتار به وجوهی از هستی‌شناسی نظر داریم که اصول موضوعه علم اقتصادند و مشتمل بر پیش‌فرض‌های متافیزیکی هستند که علم اقتصاد آنها را مفروض گرفته است.

محتوا و قالب جهان اقتصادی به‌وسیله ملاحظات هستی‌شناختی اقتصاددانان تعیین می‌شود. مجموعه‌ای از چنین ملاحظاتی به لحاظ ماهیتی یک جهان‌بینی را تشکیل می‌دهند. این جهان‌بینی در حیطه اقتصادی، نگرشی بنیادین به جهان هستی است که تمرکز آن روی گزینش وجوه مرتبط اقتصادی جهان است. این ملاحظات جایگاهی کاملاً مبنایی دارند. آنها از هر عنصر دیگری در نظام اعتقادی فرد مبنایی‌ترند و به‌سادگی تغییر نمی‌کنند. ملاحظات هستی‌شناختی، گزاره‌هایی پیشاتجربی هستند که پیش‌فرض گرفته می‌شوند؛ نه اینکه به نحو استدلالی از نظام اعتقادی استخراج شوند. این ملاحظات، به تعبیر کالینوود پیش‌فرض‌های مطلقی هستند که پرسش‌ناپذیرند و به تعبیر ویتگنشتاین، مفاصلی هستند که تفکرات و قضاوت‌های ما بر آنها استوار بوده و سرچشمه‌ای هستند که تفکر ما از دل آن می‌جوشد.

در مجموع می‌توان گفت که ملاحظات هستی‌شناختی هسته هر برنامه پژوهشی را شکل می‌دهند. این هسته هیچ‌گاه مورد تشکیک واقع نمی‌شود و شامل پیش‌فرض‌های مطلقی است که توسط تمامی پژوهشگرانی، که درون آن سنت تعقلی به فعالیت مشغول‌اند، پذیرفته شده است و تعیین‌کننده بستر و حدودی هستند که گفتمان علمی در آن جریان دارد. این

۱. مصباح یزدی، ۱۳۷۴، ص ۲۶۱.

۲. ایمان، ۱۳۹۱، ص ۵۵.

۳. مطهری، ۱۳۹۱، ص ۷.

چارچوب‌های اساسی ماهیتاً تعیین‌کننده هر رشته علمی یا حوزه تحقیقاتی هستند که رد این مفروضات هستی‌شناختی به معنای خروج از آن گفتمان علمی است.^۱

از منظر علم اقتصاد، هرگونه توصیف و تبیینی که متضمن بیان ویژگی‌های وجودی عاملان اقتصادی، ماهیت متغیرهای اقتصادی و روابط و تعاملات بین عاملان و متغیرهاست، منطقاً گزاره‌ای هستی‌شناختی است. همچون معرفت‌شناسی و روش‌شناسی که اصول موضوعه خاصی را شامل می‌شدند، اصول موضوعه هستی‌شناسی اقتصاد متعارف عبارت‌اند از: دئیسم، دین طبیعی، سکولاریسم، لائیسم، طبیعت‌گرایی و تکامل انواع که در ادامه، به‌طور خلاصه، به ارائه تعریفی از باورهای هر یک از این اصول پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱. دئیسم

واژه دئیسم از کلمه لاتین DEUS و این واژه نیز به‌نوبه خود از کلمه یونانی THEOS مشتق شده است. مکتب دئیسم به آموزه خداشناسی طبیعی مبنی بر قطع رابطه خداوند با جهان هستی پس از خلقت و واگذار نمودن جریان امور عالم بر اساس قانونمندی‌های طبیعی و مکانیسم خودکار اطلاق می‌شود.^۲ تفکر دئیستی نشئت گرفته از رنسانس است. پیش از رنسانس، تفکر مذهبی مبتنی بر الهیات و حیانی بود. در این تفکر خداوند آفریدگار و پروردگار عالم است و قراردادش با طبیعت تحت تدبیر الهی و وجوب وحی از مهم‌ترین باورهای آن به‌شمار می‌رود. این تفکر پس از رنسانس و با توجه به نارسایی‌های تعالیم کلیسا از صحنه امور اجتماعی کنار رفت.^۳

در اواخر قرون وسطا، تصویر خدای انسان‌نما که در این دوران توسط کلیسا القا می‌شد، به الگوی خدای رخنه‌پوش تبدیل شد. به اعتقاد ایان باربور «در این الگو خداوند لاجرم بایستی باشد تا درز و رخنه‌های دستگاه خلقتش را تعمیر کند یا محافظه‌کار مفرطی باشد که صرفاً در فکر حفظ وضع موجود است. خداوندی که برای توجیه بعضی موارد جهل علمی، به آن رجعی شود، مسلماً با پرتوافشانی دانش جدید و فروزان شدن چراغ علم باید عقب‌نشینی نماید تا سرانجام به هیئت معمار بازنشسته و خدای بی‌عمل که در خداپرستی طبیعی یا دئیسم مطرح

1. Maki, 2001, pp. 4-5.

2. Pailin, 1996, p. 223.

۳. حسینی، ۱۳۸۸، ص ۸۵.

است، درآید».^۱ دئیست‌ها گام بعد را بلندتر برداشتند و الگوی خدای غایب را مطرح نمودند که پس از آفرینش جهان هیچ دخالتی در آن نمی‌کند. بنابراین، می‌توان گفت، ویژگی عمده دئیسم انکا به عقل انسان و بی‌نیازی از تعالیم آسمانی و نفی ارتباط خداوند پس از خلقت است. به‌طور خلاصه، با سیطره روشنگری در اروپا، مفهوم اسکولاستیکی مسیحی از خداوند به‌عنوان «خالق و رب (پروردگار)» رنگ باخت و خدای ساعت‌ساز جای آن را گرفت که صرفاً خالق (و نگه‌دارنده) بود؛ خداوند، معماری بازنشسته شد که صرفاً سازنده جهان بود و پس از خلقت تدبیر امور را به دست نظمی خودجوش سپرد.

۲-۲-۲. دین طبیعی

دین طبیعی یا الهیات طبیعی به دو معنا به کار می‌رود: یکی معنای اعم و دیگری معنای اخص؛ معنای اخص آن همان ارائه استدلال بر وجود خداوند از طریق طبیعت و براهین طبیعی و تجربی است که از جمله آنها می‌توان برهان نظم یا برهان حرکت را نام برد. معنای اعم آن ارائه استدلال بر وجود خداوند بر مبنای خصایص وجود است که برهان وجوب و امکان و براهین دیگری از این سنخ را شامل می‌شود. هنگامی که از الهیات طبیعی یا دین طبیعی در مقابل الهیات و حیانی یا دین ایمانی سخن گفته می‌شود هم معنای اخص و هم معنای اعم آن مورد نظر است. این اصطلاح در قرن هجدهم با پیشرفت خداشناسی طبیعی رایج شد.^۲

در این دیدگاه، خداوند از طریق بحث و جدال و استدلال‌های مختلف تجربی و فلسفی اثبات می‌شود. فیلسوفان همچون ریاضیدانانی که به حل معمایی مشغولند به حل و پاسخگویی شبهه‌های وجود خداوند می‌پردازند. درحقیقت، فیلسوفان و دانشمندان علوم طبیعی با میان آوردن فلسفه و استدلال، پرده‌ای بر ظهور اولیه و بسیط خداوند می‌کشند و می‌کوشند تا قدری از این احتجاج کم و انسان‌ها را با خداوند آشناتر کنند.

پیروان الهیات طبیعی می‌کوشند تا به کمک عقل همه موارد مطرح‌شده در دین را توجیه و تبیین عقلانی کنند. از نظر فیلسوف، مسائلی مانند وجود خدا، صفات او، عدل و معاد، تقدیر، مرگ، مشیت، ایمان، نبوت و... معماهایی هستند که باید گشوده شوند و در این راه باید فیلسوف

۱. باربور، ۱۳۶۲، ص ۵۴.

۲. حمزئیان، ۱۳۸۸، ص ۶۲-۶۵.

از تناقض‌ها و تشبیهات به دور باشد. فلسفه تا بدانجا پیش می‌رود که عقل راهی برای تشکیک در آن نیابد.

۲-۲-۳. سکولاریسم

«سکولار» کلمه‌ای انگلیسی است که از واژه لاتین «سکولارم» به معنای «این عصر یا زمان حاضر» گرفته شده است. سکولاریسم به معنای متعددی استفاده می‌شود: گرایش و اعتقاد به کنار گذاشتن آگاهانه دین از صحنه معیشت و سیاست، غیردینی شدن حکومت، جدایی دین از سیاست، حذف دین یا بی‌اعتنایی به آن، به حاشیه بردن نقش دین در زمینه‌های گوناگون زندگی انسان مانند سیاست، حکومت، امور فراطبیعی، عقلانیت و اخلاق، از جمله این معانی است.^۱ تعبیر «سکولاریزاسیون» در سال ۱۶۴۸ میلادی در «پایان جنگ‌های سی‌ساله» در معاهده «وستفای» برای نخستین بار به کار رفته است. سکولاریسم رویکردی است که معتقد به مبنای معرفتی و زمینی و مبتنی بر عقل اومانیستی برای امور نهادهایی مثل حکومت، خانواده، تعلیم و تربیت، اقتصاد و... است. سکولاریسم به تعبیر ساده‌تر یعنی حذف دین و نقش مرکزی و محوری آن از زندگی اجتماعی و سیاسی.

عقل مدرن ذاتاً سکولار است و دین و معیارها و موازین معنوی و استانداردهای متعالی روحانی را از زندگی بشر خارج می‌کند و می‌خواهد که آدمیان بدون هدایت ساحت قدس و با تکیه بر عقل خودبنیادانگار، زندگی فردی و جمعی را اداره نمایند. در فلسفه سکولاریسم تنها هدف و غایت انسان در این جهان بهره‌گیری از لذایذ مادی در قالب خوددوستی و نفع شخصی است و تمایل به خیرخواهی خود، مترتب یا مبتنی بر وجود تمایلات اساسی به غذا، شهرت، آمیزش جنسی و غیره است که اگر شهوت‌های اولیه در انسان نباشد، خیری نخواهد بود تا به آن علاقه‌مند باشیم؛ پس بهروزی عبارت از ارضای این قبیله تمایلات است.^۲ این تفکر مقام انسانی را تا حد زمینی و خاکی شدن تنزل می‌دهد؛ زیرا او تنها برای لذت بردن از این جهان خلق شده است. اساساً تعریف سکولاریستی «سیاست» آن را تا سطح «فن یا کسب و یا

۱. مصباح‌یزدی، ۱۳۹۰، صص ۲۲۶-۲۲۷.

۲. شیروانی، ۱۳۷۹، صص ۶۸-۶۹.